نمایشگاهی که مخاطب را راضی نمی کند

بررسی چرایی انتقاد جامعه نخبگانی از نمایشگاه کتاب مشهد

درنگ

خراسانی| نمایشگاه‌های سالانه کتاب هواداران بسیاری در میان کتاب‌خوان‌ها، کتاب‌بازها، دانشجویان، استادان و عموم اهل فرهنگ دارد. در این رویدادها مخاطبان پیش‌گفته می‌توانند نمایندگان بسیاری از انتشاراتی‌های مطلوب خود را یکجا در کنار هم ببینند و محصولات آن‌ها را با تنوعی بیشتر از موجودی کتاب‌فروشی‌ها مشاهده کنند و بخرند. همچنین حضور شهروندانی که آمدوشدی گذرا در بازاری یکپارچه از کتاب دارند و از سر کنجکاوی یا تحت‌تأثیر جوّ و تبلیغات به آن سر می‌زنند، می‌تواند فرهنگ‌ساز و مروج مطالعه باشد. البته عده‌ای هم که بیشتر کتاب‌فروشان هستند، با نمایشگاه کتاب مخالف‌اند و آن را مسبب رکود فروش خود می‌دانند. برخی هم معتقدند نمایشگاه نباید به فروشگاه کتاب بدل شود و همانند آنچه در کشورهای پیشرفته رخ می‌دهد، باید همچون ویترینی برای معرفی کتاب‌های ناشران باشد. صرف‌نظر از این اختلاف دیدگاه‌ها، روی‌هم‌رفته می‌شود «نمایشگاه بین‌المللی کتاب» را به‌عنوان رویدادی در عرصه فرهنگ، مثبت تلقی کرد؛ اما حال پرسش اساسی این است که نمایشگاه بین‌المللی کتاب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا علاوه بر اینکه بتواند استقبال عموم مردم را به همراه داشته باشد، پاسخ‌گوی نیاز جامعه نخبگانی و دانشگاهی باشد. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به دلیل مسائل گوناگون ازجمله مشکلات اقتصادی سطح برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در شهرستان‌ها افت کرده است. غیبت برخی ناشران تراز اول کشور یکی از مهم‌ترین نکاتی است که روزنامه شهرآرا پیش از برگزاری نمایشگاه نیز به آن اشاره و از آن به عنوان مهم‌ترین نیاز جامعه نخبگانی یاد کرده بود. متأسفانه نمایشگاه مشهد در شرایط فعلی نتوانسته چنان که باید با ناشران درجه‌یک و کتاب‌های جدید دریچه‌ای تازه را در مسیر فرهنگ این شهر باز کند و همین موضوع باعث به وجود آمدن انتقاداتی شده است.

آیا حضور چند غرفه که کتاب‌های زبان اصلی (انگلیسی، عربی و...) عرضه می‌کنند، به نمایشگاه سویه فرابومی می‌بخشد؟ آیا قرار است این نمایشگاه میزبان نویسندگان مطرح جهان باشد تا خوانندگان مشهدی کتاب‌های آن‌ها و حتی نویسندگان مشهدی از نزدیک با این نویسندگان خارجی گفت‌وگو و رایزنی کنند؟ چنین می‌نماید که پاسخ این پرسش‌ها هرچه باشد، خیلی راضی‌کننده نیست. حضور افرادی برای راهنمایی مراجعان و جامایی دسته‌گاه‌های راهنما ویژگی‌ای نیست که بتوان به عنوان آسیب‌زدایی بی‌همتا در نمایشگاه‌های داخلی به آن نگریست. حقیقت این است که نمایشگاه ناتوان از اقناع مخاطبان مشهدی جدی و پیگیر کتاب است؛ مخاطبانی که جای خیلی از ناشران شاخص را در این اتفاق فرهنگی خالی می‌بینند و به‌جای حضور انتشاراتی‌های درجه یک با انبوه ناشران بازاری روبه‌رو می‌شوند که یا کتاب‌های نازل (رمان‌های سطحی، رازهای موفقیت و...) می‌فروشند یا عنوان‌های پرمخاطب را از روی دست حرفه‌ای‌ها کپی می‌کنند (مانند عرضه رمان‌های مطرح «صدسال تنهایی»، «کوری»، «۱۹۸۴» و جز این‌ها با ترجمه‌های بازاری و ضعیف که گاه در هویت مترجمان آن نیز می‌توان تردید روا داشت).

نکته اینجاست که اوضاع نامطلوب صدای برخی از فعالان فضای مجازی را درآورده است. در این میان معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد هم با انتقاد از بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مشهد، برگزاری آن را به شکل کنونی توهین به کتاب و اتلاف منابع شهر مشهد خوانده است. شهریار آل‌شیخ در حساب توئیتری خود نوشت: «نمایشگاه کتاب مشهد توهین به کتاب است. یک سالن برای کمک‌درسی‌ها، یک سالن برای فروش سی‌دی‌های بنجل، سالن خلوت خیرگزاری‌ها و در سالن اصلی حضور کم‌رنگ ناشران معتبر و سرشار از کتاب‌های زرد، کم‌رونق و بی‌مایه. برای اتلاف منابع شهر مشهد متأسفم.»

احسان اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر، نیز روز گذشته به شهرآرا گفت: «همواره تأکید شده است که نمایشگاه کتاب امسال باید در ترازی بالاتر از آنچه باشد که در سال‌های گذشته اجرا شده است. شهرداری در اجرای این رویداد، مشارکت داشته و غرفه‌های نمایشگاه را به‌صورت رایگان به اداره فرهنگ و ارشاد داده است. تراز نمایشگاه کتاب مشهد باید خیلی بالاتر باشد، اما آنچه دیشب در بازدید از نمایشگاه دیدم، چیزی نبود که در جایگاه شهر مشهد باشد و جا دارد این وضعیت اصلاح شود.»

توجه به مسائل روز، نیاز فقه حکومتی

نشست جایگاه فقه حکومتی در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی برگزار شد

گزارش

خادم- «شما باید بدانی اگر کنترل موالید را فتوای به جواز دادی، ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ سال آینده چه تأثیری بر جمعیت جوان کشور می‌گذارد. این را فقیه اگر می‌خواهد فتوا بدهد، بفهمد، در کنار فقیه ما که می‌خواهد راجع به مسائل اجتماعی فتوا بدهد باید یک جامعه‌شناس و روان‌شناس حضور داشته باشد.»

نخستین جلسه از سلسله نشست‌های «جایگاه فقه حکومتی در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی» به همت پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل و با همکاری مؤسسات حوزوی در مشهد برگزار شد.

حجت‌الاسلام دکتر سید حسن وحدتی شبیری، رئیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر نوایی، مسئول امور نخبگان و استعدادهای برتر حوزه علمیه خراسان، از سخنرانان این نشست بودند. آنچه در ادامه می‌آید بخش‌هایی از صحبت‌های این ۲ سخنران است.

اگر حوزه می‌خواهد بماند باید درباره تحولات نو موضع‌گیری کند

حجت‌الاسلام دکتر سید حسن وحدتی شبیری: وقتی می‌گوییم فقه حکومتی، مقصودمان این است که با در نظر داشتن عنصر برقراری حکومت نگاهی دوباره به مباحث و مسائل فقهی بیندازیم. فقهای ما یک بار دیگر باید با در نظر گرفتن عنصر حکومت در فرایند استنباط در جای‌جای فقه تجدیدنظر کنند. معتقدم بیانیه گام دوم نسخه‌ای است که رهبری برای ۴۰ سال آینده جمهوری اسلامی پیچیده‌اند و این نسخه را باید هر کسی از نگاه خودش تطبیق بدهد. اگر بناست بیانیه گام دوم که ناظر تمدن نوین اسلامی است جامه عمل بپوشد من باید به عنوان حوزوی برداشت خود را از این بیانیه داشته باشم. ما حوزویان باید چه کار کنیم؟ رهبری در این بیانیه می‌فرمایند که جمهوری اسلامی متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. حالا من می‌خواهم این را در حوزه کاری خودم پیاده کنم. ما نباید متحجر باشیم و بسنده کنیم به همان میراث گرانبهای گذشته و هیچ‌گاهی به جلو بردنار پ و بگوییم هرچه در محتواهای فقهی و اصولی خودمان هست، همان خوب است و نیازی نیست هیچ موضوع جدیدی را مطالعه کنیم. اگر حوزه و فقه می‌خواهد بماند باید نسبت به تحولات نوبه‌نو موضع‌گیری کند و حرف برای گفتن داشته باشد. ما به اصول فقه جواهری پایبندیم اما بسنده نمی‌کنیم، به همان محتواهای ۷۰۰ سال پیش. بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده است و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی‌شدنی است.

ما باید دستیار رهبر عزیز باشیم، برای اینکه ایده‌های رهبرمان را در بیانیه گام دوم انقلاب، باید به همه مواردی که در بیانیه آمده است توجه کنیم. اگر بخواهیم عمق بینش رهبر معظم انقلاب را مطرح کنیم باید بدانیم که هر کلمه و سطر بیانیه دارای مبانی و مفروضات پیشینی است. یعنی رهبری مسلمات مفروضات پیشینی را مدنظر قرار داده‌اند که در حقیقت براساس سلسله مطالعات گسترده و اهداف والایی است که در اندیشه ایشان وجود دارد. در این زمینه، حوزه باید عمل‌ورود پیدا کند و نقش بیافریند. یک نکته خیلی برجسته در بیانیه این است که انقلاب اسلامی دارد به دوره دومی وارد می‌شود و برای وارد شدن به این دوره باید ۳ کار صورت بگیرد: خودسازی، جامعه‌پردازی، تقویت مبانی تمدنی و تمدن‌سازی. خودسازی اخلاقی و معرفتی و انقلابی و بصیرتی و همه انواع آن است. جامعه‌پردازی یعنی ببر دارزیم به جامعه و فرهنگ و معارف جامعه تقویت شود. تمدن‌سازی نیز یعنی اینکه ضرورت دارد به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم. آنچه الان داریم تمدن سابق و گذشته است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند که انقلاب اسلامی آغازگر یک عصر جدید است. عصر کنونی دوره جدید عالم است. قبل از انقلاب اصلا به مخیله کسی خطور نمی‌کرد که انقلاب اسلامی پیروز بشود و غرب را در یک انزوای شدید فلسفی قرار بدهد. آن‌ها تلاش می‌کنند با تئوری‌های جدید نفسانی رنگ و لعابی به نظراتشان بدهند و به خورد ملت‌ها بدهند. نکته دیگر اینکه دین دارد به صورت کارآمد خودش را عرضه می‌کند. نکته بعدی معنا بخشیدن به ارزش‌های انسانی مانند صداقت، راستی و درد انسانیت داشتن است که خود را بعد از انقلاب رو کرد. نکته دیگر پایان عصر شیطان است. عصر شیطان دارد شکسته می‌شود و البته آن‌ها می‌خواهند مقاومت ما را در هم بشکنند تا عصر شیطان از بین نرود. این است که می‌گوییم غرب الان واقعا حالت دفاعی به خودش گرفته است.

انقلاب اسلامی غرب را در یک انزوای شدید فلسفی قرار داد

حجت‌الاسلام علی‌اکبر نوایی: وقتی می‌گوییم نقش فقه حکومتی در بیانیه گام دوم انقلاب، باید به همه مواردی که در بیانیه آمده است توجه کنیم. اگر بخواهیم عمق بینش رهبر معظم انقلاب را مطرح کنیم باید بدانیم که هر کلمه و سطر بیانیه دارای مبانی و مفروضات پیشینی است. یعنی رهبری مسلمات مفروضات پیشینی را مدنظر قرار داده‌اند که در حقیقت براساس سلسله مطالعات گسترده و اهداف والایی است که در اندیشه ایشان وجود دارد. در این زمینه، حوزه باید عمل‌ورود پیدا کند و نقش بیافریند. یک نکته خیلی برجسته در بیانیه این است که انقلاب اسلامی دارد به دوره دومی وارد می‌شود و برای وارد شدن به این دوره باید ۳ کار صورت بگیرد: خودسازی، جامعه‌پردازی، تقویت مبانی تمدنی و تمدن‌سازی. خودسازی اخلاقی و معرفتی و انقلابی و بصیرتی و همه انواع آن است. جامعه‌پردازی یعنی ببر دارزیم به جامعه و فرهنگ و معارف جامعه تقویت شود. تمدن‌سازی نیز یعنی اینکه ضرورت دارد به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم. آنچه الان داریم تمدن سابق و گذشته است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند که انقلاب اسلامی آغازگر یک عصر جدید است. عصر کنونی دوره جدید عالم است. قبل از انقلاب اصلا به مخیله کسی خطور نمی‌کرد که انقلاب اسلامی پیروز بشود و غرب را در یک انزوای شدید فلسفی قرار بدهد. آن‌ها تلاش می‌کنند با تئوری‌های جدید نفسانی رنگ و لعابی به نظراتشان بدهند و به خورد ملت‌ها بدهند. نکته دیگر اینکه دین دارد به صورت کارآمد خودش را عرضه می‌کند. نکته بعدی معنا بخشیدن به ارزش‌های انسانی مانند صداقت، راستی و درد انسانیت داشتن است که خود را بعد از انقلاب رو کرد. نکته دیگر پایان عصر شیطان است. عصر شیطان دارد شکسته می‌شود و البته آن‌ها می‌خواهند مقاومت ما را در هم بشکنند تا عصر شیطان از بین نرود. این است که می‌گوییم غرب الان واقعا حالت دفاعی به خودش گرفته است.

صاحب خبر

برای اطلاع‌رسانی از فضای مجازی بیشتر استفاده کردیم

یکی از اولویت‌های امسال سنتاد برگزاری نمایشگاه کتاب، تمرکز بر حوزه اطلاع‌رسانی به‌ویژه فضای مجازی بوده است. افشین تخته‌گر، دبیر بیست‌ویکمین نمایشگاه کتاب مشهد، دراین‌باره گفته‌است: در بحث تبلیغات محیطی با همکاری شهرداری برای اطلاع‌رسانی از بیلبرد، رولاپ، تلویزیون‌های شهری، پرده‌آویز و همچنین تبلیغات در مترو و اتوبوس‌های شهری استفاده شد. به گفته او، در داخل نمایشگاه نیز برای اطلاع‌رسانی در مورد غرفه‌ها و ناشران بخش «از من بپرس» آماده شده‌اند که ۱۰ راهنما اطلاعات کامل نمایشگاه و در موارد ضروری برینت کاغذی مربوط را در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌دهند. استندهای ۲ در ۳ و ۴ دستگاه اطلاعات دستی تعبیه‌شده برای پیدا کردن ناشران مدنظر، دیگر امکانات راهنما و جست‌وجویی در سالن‌های نمایشگاه کتاب مشهد است که تحفه‌گر برشمرده‌است.

رونمایی از کتاب «متولیان و نایب‌التولیه‌ها» در نمایشگاه مشهد

از کتاب «استان قدس رضوی، متولیان و نایب‌التولیه‌ها» ی انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سرای اهل فرهنگ نمایشگاه کتاب مشهد رونمایی شد.

یکی از آثار تحقیقی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس کتاب «دایره‌المعارف آستان قدس» است که بخش اعظمی از «متولیان و نایب‌التولیه‌ها» از آن برگرفته شده است. کتاب رونمایی‌شده به کارگزاران حرم مطهر از زمان شهادت امام (ص‌ع) تا زمان حال می‌پردازد؛ چنان که برای نمونه مطالبی درباره دوره‌های تاریخی کهن و متولیان دوره صفویه که سادات موسوی بودند، تا زمان حجج اسلام طبسی و مروی در آن درج شده است. در این کتاب عکس‌های موجود از متولیان به همراه زندگی‌نامه آن‌ها چاپ شده است.

پیگیری وضعیت گذر فرهنگی گلستان در شورا

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر از ارائه تازه‌ترین گزارش‌ها درباره وضعیت ایمنی گذر فرهنگی گلستان در این کمیسیون خبر داد. روز گذشته، گزارشی کوتاه در صفحه اینستاگرام احسان اصولی منتشر شد که در آن آمده بود: «... نودویکمین نشست کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر برگزار شد [...در این نشست] نامه شهردار در ارتباط با برنامه جامع ارتباطات و فعالیت‌های رسانه‌ای همچنین در ارتباط با پروژه‌های مطالعاتی جدید شهرداری به بحث گذاشته شد و در پایان هم از‌در ازدری، معاون اقتصادی شهرداری در ارتباط با آخرین وضعیت ایمنی پروژه سرمایه‌گذاری گذر فرهنگی گلستان گزارش‌هایی را ارائه کرد و نظرات و پیشنهادهایی در این خصوص مطرح شد.»

زندگی با سینما

درخشش بهداد با «قصر شیرین» ادامه دارد

ملکا| بازیگر مشهدی فیلم «قصر شیرین» ساخته رضا میرکریمی، همچنان با کسب جوایز جهانی برای بازی در این فیلم افتخار آفرینی می‌کند. حامد بهداد که پیش‌از این موفق شد جایزه بهترین بازیگر مرد را از جشنواره شانگهای به‌دست بیاورد، این‌بار در رویداد جهانی جشنواره آنتالیا موفق شد نظر داوران را به بازی خود جلب کند و جایزه بهترین بازیگر مرد را از این جشنواره به‌دست بیاورد. در کنار او، میرکریمی نیز جایزه بهترین کارگردانی را از این جشنواره به‌دست آورده است. این دوازدهمین رویداد جهانی است که قصر شیرین در آن حضور یافته و در تمام جشنواره‌های رقابتی‌اش موفق شده است جایزه بگیرد. باتوجه به حضور هیئت داوران تاثیرگذار در جشنواره‌های بین‌المللی در جشنواره آنتالیا، به‌نظر می‌رسد این فیلم و عواملش در رویدادهای جهانی بعدی نیز افتخار آفرین باشند. «قصر شیرین» برای اولین‌بار در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد که در این رویداد ملی نامزد دریافت سیمرغ بلورین برای بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین بازیگر نقش مکمل زن، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، بهترین فیلم‌نامه و بهترین موسیقی متن شد، اما تنها سیمرغ فیلم‌نامه و موسیقی متن به آن رسید.

صاحب خبر

زندگی با سینما

تجربه دیگری از جوان‌گرایی

گفت‌وگو با ۲ بازیگر اصلی فیلم سینمایی «سال دوم دانشکده من»

افخمی| رسول صدرعاملی در «سال دوم دانشکده من» به سراغ جوانان دهه نود رفته‌است و سعی کرده با به تصویر کشیدن روابط میان آن‌ها، روایت متفاوتی را از مرز باریک خیانت و وفاداری ارائه دهد. او ماجرای مهتاب و آواد دانشجویان سال دوم دانشگاه را روایت می‌کند که به اتفاق تعداد دیگری از هم‌کلاسی‌هایشان برای یک سفر چند روزه از تهران به اصفهان می‌روند و در حین این سفر برای آن‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد که مهتاب را بر سر دوراهی قرار می‌دهد. صدرعاملی برای نقش‌های اصلی فیلم‌شان ۲ چهره جدید را انتخاب کرده‌است و در کنار آن‌ها بازیگران مطرحی چون وپشکا آسایش، علی مصفا، بابک حمیدیان، پدرام شریفی، شقایق فراهانی و نیلوفر خوش‌خلق را در نقش‌های فرعی قرار داده‌است. سهرا نیاستی و فرشته ارسطویی ۲ بازیگری هستند که با روایت داستان صدرعاملی را به دوش می‌کشند. این ۲ که به همراه کارگردان فیلم میهمان شهرآرا بودند، از تجربه کار با صدرعاملی گفتند.

صدرعاملی برای بازیگرش فضاسازی می‌کند

سهرا نیاستی، بازیگر نقش «مهتاب»، که پیش‌از بازی در فیلم «سال دوم دانشکده من» تجربه بازیگری نداشته است، درباره کار با رسول صدرعاملی می‌گوید: در مسیر تولید فیلم، آقای صدرعاملی به‌جای آنکه بگوید چه کارهایی انجام دهم تا شخصیت مهتاب شکل بگیرد، برای من درباره موقعیت و فضای زندگی مهتاب صحبت می‌کرد؛ یعنی بیشتر فضاسازی می‌کرد تا اینکه بگوید صورتم چطور باشد یا دستم چطور حرکت کند.

نیاستی که در کنار بازیگران مطرحی چون علی مصفا، بابک حمیدیان و نیلوفر خوش‌خلق در این فیلم ایفای نقش کرده است، از کارکردن مقابل این بازیگران به‌عنوان تجربه‌ای ارزشمند یاد می‌کند: من با بازیگران مطرحی همکاری کردم که همیشه تجربه‌هایشان را در اختیارم قرار می‌دادند و به من کمک می‌کردند تا بهتر بازی کنم.

او همچنین درباره نقشش در فیلم توضیح می‌دهد: وقتی فردی با سن کم و با تجربه‌های اجتماعی اندک بر سر دوراهی قرار می‌گیرد، براساس تجربه‌هایی که تا امروز داشته است و به کمک اطرافیانش مسیر را انتخاب می‌کند، اما متأسفانه مهتاب کسی را نداشت که مشکلاتش را با او درمیان بگذارد.

صدرعاملی بازیگرانش را از درد رصد می‌کند

فرشته ارسطویی، بازیگر دیگری است که با حضور در فیلم «سال دوم دانشکده من» به سینمای ایران معرفی شد. او نقش «آوا» را در فیلم ایفا می‌کرد. ارسطویی برخلاف دیگر بازیگر جوان این فیلم، پیش‌از این بازیگری را با حضور در «فیلم کوتاه» همچنین تئاتر تجربه کرده‌است، اما او نیز برای اولین‌بار است که در یک فیلم سینمایی به ایفای نقش می‌پردازد. او درباره کار با صدرعاملی می‌گوید: من فکر می‌کنم آقای صدرعاملی در ارتباط با بازیگرهایی که معرفی‌شان می‌کند، بیشتر بار بازی را خودش به دوش می‌کشد؛ او با بازیگر زیاد صحبت نمی‌کند و همیشه از دور او را رصد و سعی می‌کند نقش را به بازیگرش نزدیک کند. در واقع آقای صدرعاملی همه تلاشش را می‌کند که بازیگرش کمتر به این فکر کند که در حال نقش بازی کردن است. ارسطویی همچنین درباره خانواده او و شباهتش با خانواده‌های امروزی توضیح می‌دهد: پدر و مادر آوا برای من یادآور خانواده‌هایی هستند که می‌دانند دخترشان، رابطه‌هایی دارد، اما ترجیح می‌دهند این موضوع علنی نشود. همچنان که پدر چنین خانواده‌ای شاید اگر در شرایط معمولی با پسر داستان (علی) دیدار داشت، واکنش دیگری نشان می‌داد.

گفت‌وگو

می‌توانستم ۱۰۰ فیلم بسازم

«گفت‌وگو با رسول صدرعاملی که با «سال دوم دانشکده من» پس از سال‌ها به سینما بازگشت

عکس: حسین بهرامیان شهرآرا

زودکانلو- روزنی| رسول صدرعاملی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس کم‌کار و گزیده‌کاری است. او پس از ساخت «در انتظار معجزه» در سال ۸۸ از سینما فاصله گرفت و پس از ۱۰ سال با «سال دوم دانشکده من» به این عرصه بازگشت. خودش بر این باور است که می‌توانست کارگردان پرکاری باشد، اما ترجیح داده فیلمی بسازد که از نگاه خودش دغدغه‌مند باشد و بتواند مسیر فیلم‌سازی‌اش را تغییر دهد. در ادامه گفت‌وگوی ما را با رسول صدرعاملی پیرامون آخرین فعالیت‌های سینمایی‌اش و خط و مشی‌اش در فیلم‌سازی می‌خوانید.

● نگاهی که در فیلم «سال دوم دانشکده من» هست، مشابه به نگاهی است که در سه‌گانه اجتماعی شما «دیشب بابا تو دیدم آبدا»، «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «دختری با کفش‌های کتانی» شما وجود دارد. اما جریانی را که آن سه‌گانه در سینمای اجتماعی راه انداخت در این فیلم کمتر مشاهده می‌کنیم. گویی موقعیت‌هایی که برای شخصیت‌ها پیش آمده درونی‌تر است.

این قصه خیلی به آن سه‌گانه ارتباطی ندارد. به‌نظرم آن فیلم‌ها بیشتر از اینکه سینمای اجتماعی باشند، سینمای نوجوان بودند. هر ۳ فیلم مسائلی را که نوجوانان در آن دوره‌ها به آن مبتلا بودند را نشانه گرفته و هشداری برای شرایط پیش‌روی جامعه بود. زمانی که «دختری با کفش‌های کتانی» را کار کردم، این میزان آوارگی و تنهایی و افسردگی میان نسل نوجوان وجود نداشت؛ دو آن دهه والدین امروز تازه شخصیت پیدا می‌کردند. والدینی که کودکی سختی را پشت سر گذاشته بودند، جنگ را تجربه کرده بودند و زندگی‌ای متأثر از آزمون و خطاهای دولت داشتند. بعد از آن، موج ازدواج‌ها در دهه ۶۰ آغاز شد که به‌صورت هیجان‌زده اتفاق می‌افتاد و نتیجه آن می‌شد «دختری با کفش‌های کتانی» و «من ترانه ۱۵ سال دارم».

درست است که شخصیت‌های اصلی فیلم‌هایم همه دختر هستند، اما به‌نظرم در «سال دوم دانشکده من» ماجرا به‌طور کامل متفاوت است. این فیلم به نسل جوان و مسائلی که به گفته شما برایشان درونی است، می‌پردازد. این‌ها مسائلی است که در بین جوان‌ها را حتی‌تر مطرح می‌شود، تا اینکه بخواهیم آن‌ها را به‌طور تصویری روی پرده ببینیم. در این فیلم از موضوع‌هایی صحبت می‌شود که به‌طور کامل درونی است؛ مرز بین لذت و گناه و وفاداری با تعهد و رفاقت را می‌بینیم. درواقع همین مسئله بود که من را مجذوب قصه پرویز شهبازی کرد. مهتاب دوست دارد مثل آوا زندگی کند. برای همین هم وقتی جای آوا خالی می‌شود، مهتاب ناخواسته جای او را پر می‌کند. اینجا آغاز قصه ماست؛ چون مهتاب می‌داند دوستش (آوا) چقدر به این رابطه حساسیت دارد، در نتیجه یک شوخی را آغاز می‌کند که دوست در کما رفته‌اش را شوکه کند، اما بعد درگیر آن می‌شود.

● فکر نمی‌کنید آن فضای درونی‌ای که می‌گویید تلاش داشتید به تصویر بکشید ممکن است مخاطب را پس بزند؟

مهم نیست. «دختری با کفش‌های کتانی» را هم که کار کردم، همین روند را طی کرد؛ اول مقابلش گارد گرفتند و گفتند مثلا چقدر اسمش طولانی است. بعد گفتند که خب یعنی چه؟ تلویزیون هم تیزرهای من را پخش نمی‌کرد؛ چون بازیگر شناخته شده نداشتم. پگاه آهنگرانی و ترانه علی‌دوستی را آن زمان کسی نمی‌شناخت. فیلم‌های من در زمینه حضور بازیگر مطرح و سرشناس حرفی برای گفتن نداشت. ممکن است عده‌ای عصبانی بشوند، اما کسی به آن بی‌احترامی نمی‌کند؛ چون همه به این نتیجه می‌رسند که فیلم دغدغه‌مند است و از پس جامعه‌شناسی و موقعیت‌سنجی حرفی برای گفتن انتخاب کرده است. مخاطب فیلم «سال دوم دانشکده من» نسل بی‌رحمی است و من نمی‌توانم به ایشان دروغ بگویم. نمی‌توانم دست‌کمشان بگیرم.

● مگر مخاطب فیلم‌های شما عموم جامعه نیستند؟

همه فیلم‌های من مخاطب اول دارد. کسی نمی‌تواند بگوید من فیلمی برای همه جامعه ساخته‌ام؛ به‌نظرم این کار غلط و فرافکنی است. ما برای کودک، برای نوجوان فیلم می‌سازیم. اگر این اتفاق نمی‌افتد، من مسئولش نیستم. من برای مخاطب خاص فیلم می‌سازم؛ منظورم از مخاطب خاص، مخاطب اولیه است. ممکن است برای مخاطبان تاثیرهای هم حرف برای گفتن داشته باشد، اما مخاطب اولیه جوان‌های هستند که تازه وارد این دوره‌ها می‌شوند.

● مسائل جوان‌ها در روز تغییر می‌کند. به‌ویژه برای خانم‌ها. آیا به‌دنبال طرح این مسائل و شکستن تابوهایی از این دست در فیلم‌هایتان نیستید؟

بسیاری از این مسائل تابو نیست. مثل ممنوع کردن ویدئو در دهه ۷۰، اما بعد از ۱۰ سال ویدئو آزاد شد و نشان داد که هیچ اتفاقی نمی‌افتد و خیلی هم باعث پیشرفت کشور می‌شود.

● باتوجه به صحبت‌هایی که مطرح شد برای شما روحیات دخترها و دنیای آن‌ها اولویت دارد؟

سال‌هاست به دنبال این هستم که فیلمی برای یک پسر جوان و نوجوان بسازم، اما پیش نیامده است. این ۸۷، ۸۸ سالی هم که کار نکردم برای این بود که بتوانم مسیر فیلم‌سازی‌ام را ۴۰ سال گذشته تنها ۱۳ فیلم ساخته، درصورتی که می‌توانستم ۱۰۰ فیلم بسازم.

● سه‌گانه زیارت «هرشب تنهایی»، «شب» و «در انتظار معجزه» که در مشهد ساختید هم برای همین تغییر مسیر بود؟

دقیقا. آن‌ها هم همه تجربه‌ای بودند برای تغییر مسیر.

● آیا در وقفه چندین ساله‌ای که بین فیلم‌سازی‌تان افتاد، مشغول کشف و شهود خودتان هم بودید که مسیر درست را انتخاب کنید؟

دنبال این بودم که ببینم چه کاری را انجام دهم که طراوت داشته باشد.

● و باز به همین سینما برگشتید.

بله. فیلم‌نامه پرویز شهبازی از آن فیلم‌نامه‌هایی است که وقتی آن را می‌خوانید، نمی‌توانید کنارش بگذارید؛ فیلم‌نامه‌ای است خلاف جهت ذائقه‌سازی غلطی که این روزها سینما مجبور است با فیلم‌سیاسی ببیند یا فیلم بزن بکویی. در این میان تماشای فیلمی که شما را به فکر وادارد غنیمت است.

● پس به «ته‌نشین شدن ایده» در فیلم‌نامه باور دارید؟

بله. ما قصه نگفته نداریم. مهم این است که زاویه نگاه خودت را به آن قصه پیدا کنی. سینما تکرار قصه‌هایی است که با نوع و زاویه نگاه سینماگر معنی پیدا می‌کند. فیلم‌ساز از حوالی خودش حرف می‌زند و به گونه‌ای دیگر، مسائل جامعه پیرامونش را مطرح می‌کند.

● با وجود همه این‌ها «سال دوم دانشکده من» در جشنواره فیلم فجر گذشته دیده نشد. گویی این فیلم لابه‌لای فیلم‌های جنجالی جشنواره گم شد.

درست می‌گویید، اما مهم نیست. همین فیلم بدون فاصله در جشنواره فیلم مسکو جایزه گرفت و در جشنواره سنگاپور، جشنواره آسیا پاسیفیک هم دیده شد. به این‌که این جشنواره‌ها برای من تأیید باشد. به‌طور کلی جشنواره‌ها برای من تأییدکننده نیست. من در جشنواره فجر برای تسهیل اکران عمومی شرکت کردم و تهیه‌کننده فیلم نیز مایل بود در جشنواره حضور داشته باشیم و همین‌طور بازیگران جوانی که داشتیم دوست داشتند دیده شوند. ولی این‌ها برای من تأییدکننده نیستند. جشنواره فجر جای خوبی است، اما برای معرفی جوان‌ها و آن‌هایی که می‌خواهند دیده شوند، این جشنواره پایگاه آن‌هاست. آن‌هایی که می‌خواهند فکرها و موضوع‌هایی را که از جامعه و اجتماع خودشان به‌دست آورده‌اند را به نمایش بگذارند و خودی نشان دهند.

● در این میان وضعیت سینمای اجتماعی چگونه است؟

سینمای اجتماعی دارد کار خودش را می‌کند. بعد از سینمای جنگ، این سینما جدی‌ترین گونه سینمای ماست. در جامعه‌ای که هر روز صبح یک اتفاق دارد و وقایع پرشتاب و سریع رخ می‌دهد، طبیعی است که مهم‌ترین سینمای آن باید اجتماعی باشد، به‌شرط اینکه سینمای اجتماعی از مردم عقب نباشد؛ یعنی مسائل جامعه را به گونه‌ای مطرح نکند که اطلاع مردم از فیلم و فیلم‌ساز بیشتر باشد. از طرف دیگر به‌نظرم آنچه که سینمای ما را در دهه ۶۰ و ۷۰ جهانی کرد، سینمای انسانی بود، نه سینمای اجتماعی. سینمای عباس کیارستمی، مجید مجیدی و... بود که ما را به جهان شناساند. به‌نظرم سینمای اجتماعی ما در دنیا خیلی جدی گرفته نمی‌شود، مگر اینکه به‌شدت سیاسی تلقی شود که آن هم اصلا سینما نیست، بیانیه است.

● آیا پس از «سال دوم دانشکده من» پروژه دیگری را در دست دارید؟

بله. کار بعدی‌ام را با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌سازم و اکنون در مرحله پیش‌تولید هستیم. همچنین این روزها مشغول تهیه فیلمی با عنوان «شنای پروانه» هستم که محمد کارت، کارگردانی‌اش را عهده‌دار است و من سعی می‌کنم کمکش کنم تا اولین فیلم بلندش را بسازد.